

## خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل\*

نویسنده: افریم اینبار

مترجم: میرسعید مهاجرانی

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی تغییرات در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای و پیشامدهای داخلی در اسرائیل که بر تفکر استراتژیک اخیر اسرائیل تأثیر گذارده، می‌پردازد. نویسنده سپس در بیان تحولات داخلی اسرائیل که باعث ایجاد زمینه‌ای برای این تفکر نوین شده به مواردی از جمله تغییر در ایده رهبران نسل جوانتر اسرائیل، کاهش اهمیت قدرت نظامی، افت منزلت اجتماعی نیروی دفاعی اسرائیل در درون این کشور، افزایش حساسیت به تعداد تلفات، اهمیت یافتن عوامل قانونی و مهمتر از هم خستگی عمومی از درگیری بلندمدت و کاهش تمایل جوانان اسرائیلی برای خدمت در نیروی دفاعی اسرائیل اشاره می‌کند و می‌گوید که این عوامل باعث گردیده نظریه خود انکایی کم اهمیت شده و یک رهیافت منطقه‌ای در حال جایگزین شدن باشد که در آن توسعه و امنیت خاورمیانه‌ای - که در برگزیده موضوعاتی از قبیل کنترل تسلیحات، عدم تجاوز، همکاری اقتصادی منطقه‌ای و - یک چشم‌انداز امنیتی جامع برای اسرائیل فراهم می‌آورد.



### مقدمه

آنگونه که کنت والتز مطرح کرده است، کشورها در یک نظام «خودیار» عمل می‌کنند که در آن نظام تهدیدات نسبت به امنیت ملی در همه جا وجود دارد؛ بویژه کشورهای کوچک در رویارویی با مبارزه طلبیهای متجاوزان قدرتمند، مشکلاتی دارند. چرا که این کشورها از نظر توانایی ایجاد ماشین نظامی نسبتاً بزرگ و مجهز قطعاً محدودیت

\* Efraim Inbars "Contours of Israel's New Strategic thinking" *Political Science Quarterly*, Vol.111 No.1.(1996)pp. 41-65.

دارند.<sup>(۱)</sup> کشورهای کوچک عموماً راه‌گریز کمی دارند و هدفهای نظامی - سیاسی آنها کم‌مایه است. تعداد اندکی دیگر نظیر سوئیس و سوئد حالت خوداتکایی را بر می‌گزینند و می‌کوشند بدون کمک خارجی با منازعات امنیتی روبرو شوند. این شیوه به عنوان توازن داخلی نیز شناخته می‌شود و روشی را توصیف می‌کند که یک کشور به تجمع قدرت می‌پردازد. سایر کشورهای کوچک، توان نظامی خودشان را، با همپیمان شدن با دیگر کشورها افزایش می‌دهند. بسیج منابع سایر کشورها در رویارویی با تهدیدات خارجی، توازن خارجی نامیده می‌شود؛<sup>(۲)</sup> اما این پیمانها می‌تواند آزادی عمل کشور کوچک را محدود کند. در بسیاری از موارد، فضای یک کشور کوچک برای مانور، توسط ساختار رایج نظام بین‌الملل و نظامهای فرعی منطقه‌ای نیز تنگ و محدود می‌شود. بیشتر کشورهای کوچک برای به حداکثر رساندن قدرت نظامی و آزادی استفاده از آن می‌کوشند دکترینهای استراتژیکی را در پیش گیرند که بر اساس ترکیبی از توازن خارجی و داخلی استوار شده باشد.

اسرائیل نمونه‌ای از چنین کشور کوچکی است. این مقاله محیط بین‌المللی و منطقه‌ای و پیشامدهای داخلی در اسرائیل را، که بر تفکر استراتژیک اخیر اسرائیل تأثیر گذارده است، بررسی می‌کند. یوسی سارید - عضو کابینه دولت فعلی از جناح چپ حزب Meretz - دولت اسحاق رابین را به عنوان بهترین دولت پیرو شارت در تاریخ

۱- برای مطالعات کشورهای کوچک، بنگرید به:

David Vital, the inequality of states (Oxford, England: clarendon Press, 1967);  
Michael Handel, weak states in the international system (London Frank cass, 1981);  
Efraim karsh Neutrality and small states (London: Routledge, 1988).

۲- برای توازن داخلی در توازن خارجی، بنگرید به:

Kenneth N. Waltz, theory of international Politics (Reading, MA: Addison wesley Pub. 1983), 1980.

و برای مرور بر ادبیات پیمانها بنگرید به:

Glenn H. Snyder, "Alliances, Balance and Stability", International orgnization 45 (Winter 1991): 121-420

اسرائیل توصیف کرد.<sup>(۱)</sup> در مقولات سیاسی اسرائیل این بدین معناست که این دولت بیشترین گرایش صلح طلبانه را داشت. در واقع، تعریفی مجدد و احساس تهدید کمتر، تغییر در اهمیت مفهوم قدرت ملی، ناخوشایندی بیشتر در استفاده از زور و از بین رفتن تأکید بر خود اتکایی را مشاهده می‌کنیم.

مفهوم قدیمی امنیت ملی اسرائیل<sup>(۲)</sup>

از ابتدای تأسیس اسرائیل، رهبران اسرائیل احساس کردند که کشورشان با تهدید وجودی از طرف کشورهای عربی روبروست که می‌خواهد کشور یهودی را نابود کند. همینطور آنها دریافتند که قدرت نظامی برای بقای کشور ضروری است و در نتیجه،

---

۱- صحبت یوسی سارید در یک گفتگو در مورد شارت در دانشگاه Hebrew در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۴ برای بحث شارت - بن‌گوریون در مورد سیاستهای خارجی و ملی بنگرید به:

Michael Brecher, *the Foreign Policy system of Israel* (London: Oxford university Press, 1972), 251-290, Gabriel Sheffer, *Resolution vs. Management of the Middle East Conflict*, Jerusalem Papers on Peace Problems, no. 32 (Jerusalem: Leonard Davis Institute for International Relations, Hebrew University, 1980).

۲ برای کارهای انجام شده در مورد تفکر امنیتی اسرائیل بنگرید به:

Michael I. Handel, *Israel's Political-Military Doctrine* (Cambridge, MA: Harvard University Occasional Papers, July 1973); Israel Tal, 'Israel's Doctrine of National Security: Background and Dynamics,' *Jerusalem Quarterly* 4 (Summer 1977); Yoav Ben Horin and Barry Posen, *Israel's Strategic Doctrine*, Paper No. 4-2845-NA (Santa Monica, CA: Rand Corporation, 1981); Efraim Inbar, "Israeli Strategic Thinking After 1973", *Journal of Strategic Studies* 6 (March 1983): 36-59; Dan Horowitz, "The Constant and the Changing in Israeli Strategic Thinking" in Joseph Alpher, ed., *War by Choice [Hebrew]* (Tel Aviv: Hakibbutz Hameuchad, 1985), 58-77; and Ariel Levite, *Offense and Defense in Israeli Military Doctrine*, JCSS Study no. 12 (Boulder, Co: Westview, 1989).

## اسرائیل بر

که اسرائیل یک کشور کوچک محاصره شده توسط چندین کشور عربی است، کمک قدرتهای فرامنطقه‌ای برای جبر ان‌کمبود منابع در مقایسه با جهان عرب را می‌طلبد است. دیوید بن گورین، اولین نخست وزیر اسرائیل می‌دانست که ایجاد یک کشور قوی از نظر نظامی برای بقا در خاورمیانه بسیار مهم است: «اسرائیل بر قدرت خود استوار بوده است و تنها اگر قبل از هر چیز به خودش به عنوان قدرتی که عظمتش رو به فزونی است متکی باشد، محکم خواهد ایستاد».<sup>(۱)</sup> علاوه بر این او احساس کرد که سرانجام، پیمانها نمی‌توانند قابل اعتماد باشند. این احساس به تأکید زیاد بر خود اتکایی منجر شد. این مفهوم دو معنا داشت: آزادی عمل به هنگام ایجاد منازعه، و قدرت نظامی که خیلی کاراً عمل کند. گرچه آگاهی از محدودیتها، وضع نامساعد در یک کشور کوچک را ذاتی می‌سازد، اسرائیل امیدوار بود به ظرفیتی دست یابد که به طور یکجانبه به هر منازعه امنیتی پاسخ بدهد و یک قدرت بازدارنده ایجاد کند هدف اسرائیل «عدم وابستگی» بود که در سال ۱۹۷۵ شیمون پرز آن را «وضعیت قطعی بی‌نظیر» نامید.<sup>(۲)</sup>

در گذشته، نخبگان سیاسی اسرائیل درباره ماهیت بی‌خطر روابط بین الملل اظهار شک کردند. بسیاری از رهبران سیاسی اعتقاد داشتند که یهودیان با دنیایی از دشمن، و یا غیر کلیمیان غیر قابل اعتماد روبرو هستند. تجربه تاریخی یهودیان یک منظره سیاسی را ایجاد، و احساس عدم امنیت و انزوا را در نزد بسیاری از اسرائیلیها تقویت کرد.<sup>(۳)</sup>

1- David Ben Gurion, "Israel Among Nations", *Government Yearbook 5713 [Hebrew]* (Jerusalem: State of Israel, 1952/53), Quoted in Brecher, *The Foreign Policy System of Israel*, 265.

۲- در یک مصاحبه باتندروهای حزب در بیت المقدس در روزنامه Hauretz, 29 Apr. 1975

۳- برای ادراکات رهبریت اسرائیل از محیط بین المللی بنگرید به:

Brecher, the Foreign Israeli Leadership's Perceptions of the international environment, see Brecher, *The Foreign Policy System of Israel*, 2510369. For a discussion of the impact of Jewishness on Israel's foreign Policy, see *ibid.*, 229-43;

دقیقاً به دلیل همین احساس عدم امنیت و انزوا، اسرائیل همیشه مشغول کسب امنیت توسط یک حامی در بین قدرتهای اصلی بین المللی بوده است.<sup>(۱)</sup> پیمان با قدرتهای بزرگ توسط رهبری اسرائیل به عنوان یک رکن مهم در تأمین حمایت سیاسی و اقتصادی تلقی می شد و بالاتر از همه، اطمینان به دستیابی به سلاحهای پیشرفته. این احساس وجود داشت که همسو شدن با یک قدرت اصلی، توان اسرائیل را برای ایجاد توازن خارجی بهبود خواهد بخشید و همچنین برخی موانع گسترده ایجاد خواهد کرد که الزامی برای دفاع از دیگری است. از دهه ۱۹۵۰ اسرائیل برای خنثی کردن تهدیدات شوروی و افزایش توان بالقوه خود در جهت رویارویی با پیمانهای منطقه‌ای شوروی، در جستجوی کمک یک قدرت جهانی - امریکا - بود.

در سالهای اولیه، اسرائیل یک سیاست مستقل اتخاذ نموده و از جانبداری در منازعه جهانی بین امریکا و شوروی پرهیز می کرد.<sup>(۲)</sup> بعداً در دهه ۱۹۵۰ اسرائیل بتدریج به این نتیجه رسید که اتحاد با قدرتهای غربی در ستیز با جهان عرب مفید است، اما پیوستن به پیمانهایی را که توسط غرب در خاورمیانه برقرار شده بود انکار می کرد و ناتو نیز از پذیرش آن خودداری می ورزید.<sup>(۳)</sup> وقتی اسرائیل دریافت که این پیمان می تواند آزادی عملش را محدود کند اشتیاق خود را برای پیوستن به یک پیمان رسمی از دست داد.

Aharon S. Klieman, *Israel and the World After 40 Years* (Washington, DC: Pergamon-Brassey's, 1990), 52-57; Efraim Inbar, "Jews, Jewishness and Israel, Foreign Policy," *Jewish Political Studies Review* 2(Fall 1990): 165-83.

1. Klieman , *Israel and the World After 40 Years*, 91-93.

2-Michael Brecher, *Decisions in Israel's Foreign Policy* (London: Oxford University Press, 1974), 111-71; Uri Bialer, *Between East and West* (Cambridge, England: Cambridge University Press, 1990).

۳- برای آخرین تحقیق در مورد متفقین بنگرید به :

Avner Yanir , *Deterrence Without the Bomb: The Politics of Israeli Strategy* (Lexington, MA: Lexington Books, 1987), 48-55.

همچنین این کشور برای دستیابی به تسلیحات قدرتهای اروپایی بویژه فرانسه می‌کوشید با وجود این، قبل از سال ۱۹۶۷ همانند گذشته، اسرائیل مایل بود با ایجاد روابط مناسب با عرضه کنندگان بالقوه تسلیحات به منظور افزایش ظرفیت نظامی، مقداری از آزادی عمل خود را معامله کند.

بعد از سال ۱۹۶۷ طرحهای اولیه پیمان دفاعی امریکایی - اسرائیلی مشروط به عقب نشینی کامل اسرائیل از سرزمینهای اشغال شده در جنگ شش روزه شد؛ شرطی که برای اسرائیل خوشایند نبود.<sup>(۱)</sup> بعد از سال ۱۹۷۳ اسرائیل خود را در سیاست جهانی بشدت منزوی یافت. پس از آن رهبران اسرائیل بیشترین تلاش خود را بر حفظ روابط مناسب با ایالات متحده آمریکا متمرکز کردند.<sup>(۲)</sup>

در اوایل دهه ۱۹۸۰ دو کشور برای رسمیت بخشیدن به یک مشارکت استراتژیک در پاسخ به بیم از توسعه طلبی و تأثیر شوروی، خیلی به هم نزدیک شوند، اما همکاری استراتژیک به این وسعت و عمق در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ایجاد شد. هر دو طرف خواهان یک پیمان رسمی نبودند. در همان زمان، اسرائیل همواره تأکید داشت که قبول نمی‌کند دیگران جنگهایش را اداره یا مستقیماً در دفاعش شرکت کنند. درخواست کمک از غرب بدون وابستگی مفید بود. هدف رهبران اسرائیل این بود که آزادی عملشان را افزایش دهند.

استراتژیستهای اسرائیلی می‌دانستند که نیروی دفاعی اسرائیل باید برای جنگهای سریع برنامه‌ریزی کند و این مسأله با عملیات تهاجمی به دست می‌آید. تاکتیکهای

۱- سناتور ویلیام فولبرایت و سخنگوی دولت جرج بال در میان پیشنهاددهندگان بودند برای تجزیه و تحلیل بهتر از پیمان دفاعی امریکا - اسرائیل که منعکس کننده تفکر رسمی باشد بنگرید به:

Yair Evron, some Political and Strategic Implications of an American- Israeli Defense Treaty" in Haim Shaked and Itamar Rabinovich, eds., *The Middle East and the United States* (New Brunswick, NJ: Transaction, 1980), 371-94.

2. Efraim Inbar, *Outcast States in the World Community*, Monograph Series in International Affairs (Denver: University of Denver Press, 1985).

تهاجمی کمک میکند اسرائیل از وضعیتی دور شود که ممکن است او را به رویارویی در دو یا چند جبهه به طور همزمان مجبور کند. عملیات تهاجمی غافلگیرانه با اختیاری که به اسرائیل برای انتخاب وضعیت دیپلماتیک مناسب می‌دهد، آزادی عملش را نیز افزایش خواهد داد؛ در حالی که اجازه مداخله خارجی مؤثر در بخش نیروهای اعزامی عرب یا ابرقدرتها را به حداقل می‌رساند.

علاوه بر این، نیروی دفاعی اسرائیل در هنگام حمله بهتر می‌تواند برتری کیفی خود را از حیث نیروی انسانی و تاکتیکها در رویارویی با ارتشهای عربی به حد مطلوب برساند. عقیده بر این است که عملیات تهاجمی از نظر تلفات و زخمیها کم هزینه‌تر است. تفکر استراتژیک اسرائیل هم به ایجاد یک نیروی نظامی نیاز دارد که اسرائیل را قادر سازد به تنهایی در مقابل تهدیدات منطقه بایستد. بعد از جنگ سال ۱۹۷۳، اسرائیل نیروی دفاعی و ذخایر و تجهیزات نظامی خود را به شدت افزایش داد بدین منظور که نیاز به حمایت فرامنطقه‌ای را به حداقل برساند و مداخله خارجی را از بین ببرد.<sup>(۱)</sup>

اسرائیل همچنین صنعت نظامی عظیمی را ایجاد کرد. انگیزه اصلی ایجاد این صنعت دفاعی عظیم، ترس از این بود که سلاحهای مورد نیاز برای امنیت اسرائیل به دلایل سیاسی در بازار جهانی قابل دستیابی نباشد. اسرائیل در پی ایجاد توان تولید یک بنیان اصلی برای هر یک از نیروهای دفاعی خود - هوایی، زمینی، دریایی - بوده است. اسرائیل تولید جت جنگنده کفیر را به دنبال تحریم فرانسه در سال ۱۹۶۷ شروع کرد. خودداری انگلیس از فروش تانکهای چیفتن، اسرائیل را به ساخت تانک مرکاوا\* رهنمون ساخت. به همین گونه مشکلات خرید قایقهای گشتی تندرو در دهه ۱۹۶۰ به تولید قایقهای موشکدار سار\*\* منجر شد.

اما بعد از جنگ ۱۹۷۳ با افزایش نیازهای نیروی دفاعی اسرائیل رؤیای خودکفایی تسلیحاتی‌اش از بین رفت و وابستگی نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک اسرائیل به ایالات متحده امریکا زیاد شد. با وجود این، صنایع نظامی گسترش یافت و خدمات

1. Inbar, "Israeli Strategic thinking after 1973", 41-45.

\* Merkava

\*\* Saar

تعمیر و نگهداری پیشرفت کرد تا وابستگی به فروشندگان خارجی تسلیحات کاهش یابد. صنایع اسرائیل، محصولات نظامی زیادی تولید کرد و سلاحهای وارداتی را با نیازهای خاص نیروی دفاعی خود تطبیق داد و به موجب آن، از نظر تکنولوژیک بر حریفان منطقه‌ای برتری یافت. توسعه زیربنای تولید تسلیحات پیشرفته، شامل زمینه هسته‌ای اسرائیل نیز شد. برنامه هسته‌ای اسرائیل که در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز گردید در اثر ترس از موجودیت و اینکه در صورت شکست نظامی در یک جنگ متعارف انتظار کمک اندکی از دولتهای دوست می‌توان داشت نیز، شدت یافت. برنامه هسته‌ای به عنوان یک سیاست اطمینان بخش در وضعیتی که اسرائیل توان دفاعی متعارف خود را از دست بدهد یا اینکه اگر کشورهای عربی به سلاحهای هسته‌ای دست یابند، مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، اسرائیل از پیوستن به پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای خودداری ورزید، اما از سال ۱۹۶۵ ادعا کرد که اولین کشوری نخواهد بود که سلاحهای هسته‌ای را به منطقه بیاورد؛ یک بیان تقریباً دو پهلو. سیاست اسرائیل در مورد مخفی نگاهداشتن مواد هسته‌ای در جریان تسهیل دستیابی به سلاحهای متعارف نیز مفید واقع شد.<sup>(۱)</sup> برنامه هسته‌ای اسرائیل - بیشتر از سایر تلاشها در فضای امنیتی - متضمن ترجیح اسرائیل به حداکثر نمودن قدرت و آزادی عمل است.

#### دور نمای استراتژیک نوین اسرائیل

پیشامدهای اخیر در مورد فضای اسرائیل (صف آرای می‌مجدد جهانی، فرایند صلح خاورمیانه) همانند تغییرات درون اسرائیل به ظهور یک تفکر استراتژیک نوین منجر شده است. انحراف از تفکر گذشته در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. رواج کنونی این تفکر با بازگشت حزب کارگر به صحنه قدرت، و گسترش تفکر جناح صلح طلب آن حزب همراه

۱- برای برنامه هسته‌ای اسرائیل بنگرید به:

Leonard, S. Spectoz, *The Undeclared Bomb* (Cambridge, MA: Ballinger, 1988); Louis Bene, eds., *Security or Armageddon: Israel's Nuclear Strategy* (Lexington, MA: Lexington Books, 1986). The Most Comprehensive Discussion s Yair Evron, *Israel's Nuclear Dilemma* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1994).



شد.<sup>(۱)</sup> چهار نشانه اصلی، این تغییر و تبدیل را مشخص می‌کند: برداشتهای نوین در بین رهبریت اسرائیل با توجه به سیستمهای بین‌المللی و منطقه‌ای، ارزیابی مجدد ماهیت قدرت ملی، بیزاری و تنفر بیشتر در بخشی از رهبریت اسرائیل در مورد استفاده از زور، و اولویت ندادن به مفهوم خود اتکایی.

#### مشاهدات نوین از محیط خارجی

فروپاشی امپراتوری شوروی از نظر رهبریت اسرائیل به عنوان یک فضای نوین بین‌المللی تلقی شد و اغلب راهی برای گشودن دری به سوی ایجاد صلح در خاورمیانه به شمار رفته است. دشمنان اسرائیل چتر حمایتی شوروی را از دست دادند، رابطه‌ای سیاسی - نظامی که عاملی مهم در توانایی اعراب برای رویارویی با اسرائیل بود؛ حتی نخست وزیر و وزیر دفاع اخیر اسرائیل - اسحق رابین که به دلیل رهیافت سیاست واقع‌گرایی در مورد سیاست منطقه‌ای و جهانی معروف شده است اعتقاد پیدا کرد که جهانی نوین در حال ظهور است.

رابین همانند جانشین خود در وزارت دفاع - موردچای گور - واقعه مهم بین‌المللی دیگری را به عنوان واقعه‌ای که نتایج امنیتی مثبتی برای اسرائیل داشته است - شکست عراق توسط امریکا که به ائتلاف بین‌المللی منجر شد<sup>(۲)</sup> بیان کرد.

به نظر می‌رسد که این پیشامدها به مذاکرات اعراب - اسرائیل بعد از کنفرانس ۱۹۹۱ مادرید، توافق اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین در سپتامبر ۱۹۹۳ و پیمان صلح با اردن در اکتبر ۱۹۹۴ منجر شد. پیمان صلح با مصر در سال ۱۹۷۹ که به این وقایع افزوده

۱- برای تفکر حزب کارگر در مورد مسائل امنیتی بنگرید به:

Efraim Inbar, *War and Peace in Israeli Politics, Labor Party Positions on National Security* (Boulder, Co: Lynne Rienner, 1991).

۲- توسط اسحق رابین و موردچای گور در مقاله زیر که توسط یهودامیرسکی و الن رایس نوشته شده است ذکر می‌شود.

*Toward New Era in U.S.- Israel Relations* (Washington, DC: The Washington Institute, September 1992), 1-30.

شد به بسیاری از رهبران اسرائیل نشان داد که یک فرایند تاریخی در مورد پذیرش اسرائیل توسط اعراب در حال شکل‌گیری است. این فرایند، تهدید نظامی ناشی از سوی مصر- بزرگترین کشور عربی - را کاملاً کاست و در مرز شرقی، اسرائیل احتمال یک ائتلاف خصومت آمیز را کاهش داد. در واقع، رابین از نظریه کلی خودش در مورد اوضاع منطقه‌ای در سال ۱۹۹۲ اینطور نتیجه گرفت: «ما امروز در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که تهدید علیه موجودیت اسرائیل خیلی کاهش یافته است.»<sup>(۱)</sup> در رهبریت سیاسی اسرائیل خوش‌بین‌ترین فرد، شیمون پرز وزیر امور خارجه بود که بعد از قتل رابین، نخست وزیر شد. او معتقد است که خاورمیانه به صلح و سعادت خیلی نزدیک است و از تولد یک خاورمیانه جدید خبر می‌دهد. او اخیراً نوشت که به جای منظره‌های خون و زخم و جراحت، مناظر خوشبختی و زیبایی زندگی به وجود خواهد آمد.<sup>(۲)</sup>

امروزه، احساس عدم امنیتی را که بیشتر رهبران پیشین اسرائیل داشتند کمتر رهبر اسرائیلی داراست که دقیقاً در دیدگاه یهودیت از موضوعات جهانی ریشه دوانده است. توان فرهنگی بیشتر سیاستمداران اسرائیلی الاصل - مگر آنهایی که در معرض آموزشهای رسمی قرار گرفته‌اند - معمولاً در زمینه یهودیت از اسلافشان که در خارج متولد شده‌اند، ضعیفتر است. بنابراین، آنها کمتر به تأثیر پذیری از بعد فرهنگی - روانی یهودیت تمایل دارند. در واقع، این منشور یهودیت بطور فزاینده‌ای توسط افرادی - در ابتدا توسط جناح چپ - به عنوان یک میراث بد یهودیت و یهودیان رانده شده سرگردان که باید مسکوت بماند، مورد حمله قرار گرفته است. بطور مثال، ازروایزمن رئیس جمهور این کشور، ترس اسرائیل را به عنوان «طرز فکر کلیمیان» تلقی می‌کند که فرایند صلح را به تعویق می‌اندازد.<sup>(۳)</sup> به عقیده وی اسرائیل هیچگاه به اندازه دهه ۱۹۹۰ در

۱- همان منبع .

2- Shimon Peres With Arye Naor, *The New Middle East* (New York: Henry Holt, 1993), p. 46.

۳- مصاحبه با ازروایزمن در مجله *Spectrum* شماره 6 (Jun. 88). این مجله ماهانه متعلق به حزب کارگر است که در انگلستان منتشر می‌شود.

امنیت نبوده است.<sup>(۱)</sup> رابین همچنین اشاره کرد که دیدگاه‌ها درباره دولت یهود تغییر کرده و ترس پیشین و سوءظن جهان غیر کلیمی از بین رفته است. «اسرائیل دیگر جمعیتی نیست که تنها زندگی کند... و باید به کاروان جهانی به سوی صلح، رفع اختلاف و همکاری متقابل بین‌المللی بپیوندد.<sup>(۲)</sup> رابین حتی قبلاً با بالاترین رده‌های نیروی دفاعی اسرائیل درباره عقیده خود مبنی بر اینکه اسرائیل باید خود را با تغییر واقعیتها تطبیق دهد، صحبت کرد: «دنیا دیگر در مقابل ما قرار ندارد... کشورهایی که هرگز دستشان را به سوی ما دراز نکرده بودند، کشورهایی که ما را محکوم می‌کردند کشورهایی که با ما می‌جنگیدند، کشورهایی که به بدترین دشمنان ما کمک می‌کردند... امروز به ما به عنوان یک نشانه با ارزش و قابل احترام می‌نگرند... این یک واقعیت جدید است ... صلح مستلزم دنیایی با مفاهیم نوین است و<sup>(۳)</sup> ... مفهوم تهدید بویژه در محافل جناح صلح طلب که در به قدرت رسیدن دولت کارگری از سال ۱۹۹۲ خیلی سهم بودند، ضعیف است؛ بطور نمونه، حتی کشیش یوسی بیلین معتقد است که اکنون اسرائیل می‌تواند بکوشد بر مسائل داخلی تمرکز کند زیرا مناقشه اعراب - اسرائیل در حال به پایان رسیدن است. پیشامدهای جهانی و منطقه‌ای به منزله ایجاد پنجره‌ای به سوی امکان ایجاد محیطی مطمئن‌تر برای اسرائیل به نظر می‌رسند.<sup>(۴)</sup>

این واژه جدید وارداتی امریکایی در زبان سیاسی اسرائیل، تلویحاً به وجود ضرورت کامل در کسب امتیاز از اوضاع مساعد اشاره می‌کند. در واقع، دستیابی به صلح جامع - یا پایان برخورد نظامی بین اعراب و اسرائیل - توسط دولت کارگری مورد توجه قرار گرفت و بنابراین ارزش آن را داشت که برایش ریسک کرد. رابین از تریبون مجلس اسرائیل از ساکنان جولان پرسید «آیا نباید برای رسیدن به صلح تلاش کنیم؟ آیا احتمال پایان دادن

1- Haaretz, 3 Jan, 1994.

۲- خطابه رابین در زمان معرفی دولت جدید خود، خلاصه مذاکرات مجلس در تاریخ سیزدهم جولای ۱۹۹۲.

۳- سخنان ارائه شده توسط اسحق رابین خطاب به فارغ‌التحصیلان دانشکده امنیت ملی در ۱۲ اوت ۱۹۹۳.

4- Yossi Beilin, *Israel-40 Plus* (Tel Aviv: Yediot Aharonot, 1993).

به تمام جنگها را باید از بین برد؟<sup>(۱)</sup>

این سؤال بدیهی، بیش از هر بیان دیگری، تغییر برداشتهای رابین را از محیط خارجی نشان می‌دهد. با وجود این، علی‌رغم اظهار شفاهی رابین مبنی بر اینکه احتمال جنگ در آینده نزدیک کم است و اینکه تهدیدات نسبت به موجودیت اسرائیل کاهش یافته است، او اعتقاد داشت که اسرائیل همچنان با منازعات نظامی جدی روبروست. اما ماهیت تهدیدات و منشأ آنها تغییر کرده است. بر اساس گفته رابین، فرایند صلح فقط احتمال استفاده از زور را تحت تأثیر قرار داده نه قدرت اعراب را برای صدمه زدن به اسرائیل، بلکه در واقع این قدرت افزایش یافته است.<sup>(۲)</sup>

به دلیل وجود موشکها، سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی، و به دلیل تلاشهای انجام شده در منطقه برای کسب سلاحهای هسته‌ای، رابین هشدار داد که جنگ در آینده می‌تواند موجب تلفات زیاد غیر نظامیان اسرائیلی شود.<sup>(۳)</sup> به همین گونه ترس از تموج قدرت بنیادگرایی اسلامی، تهدید برانگیز است<sup>(۴)</sup>. مسلمانان بنیادگرا می‌توانند کشورهای عربی را در برگیرند و ایجاد ترس و وحشت کنند که خود می‌تواند از نظر سیاسی برای دولت کارگری به طور فزاینده‌ای به یک مسأله دشوار مبدل شود.

پرز وزیر امور خارجه همچنین تهدیدات عمده برای اسرائیل را ناشی از ترکیبی از سلاحهای هسته‌ای و اسلام افراطی بیان کرده است.<sup>(۵)</sup> بنابراین جمهوری اسلامی ایران که براندازی و ترس و وحشت را تضمین کرده و در پی دسترسی به قدرت هسته‌ای است، دشمن اصلی دولت رابین است.

1- haaretz, 10 October 1994. (Emphasis added)

2- "Interview with prime Minister Rabin," *Bamahaneh*, 23 September 1992, 9.

۳- همان‌منبع. همچنین بنگرید به اظهارت فرمانده نیروی هوایی اسرائیل هرزل بودینگر در نشریه Haaretz شماره 15 June 92.

۴- مصاحبه با رابین، نشریه Maariv در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۹۴. همچنین بنگرید به اظهارات وی به کمیته امنیت و امور خارجه مجلس، نشریه Haaretz تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۹۵.

5- Peres, *The new Middle East*, 83.

با وجود این به نظر می‌رسد که این تهدیدات ارزش بازنگری داشته باشد: این تهدیدات برای فرایند صلح مفید هستند زیرا نخبگان عرب، نگرانی و تشویش اسرائیل در مورد منازعه گروه‌های بنیادگرای اسلامی نسبت به ثبات رژیم‌های عربی و پیدایش زرادخانه هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهند.<sup>(۱)</sup> به علاوه فرایند صلح و تأثیرات جانبی سیاسی و اقتصادی مورد انتظار آن توسط رابین و دیگران به عنوان درمان برای حل بیشتر مشکلات منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup> پرز معتقد است که توافقات صلح در سطح وسیعی زمینه ایجاد امنیت را برای تمام مردم و همه ملل خاورمیانه فراهم خواهد آورد.<sup>(۳)</sup> معاون او - یوسی بیلین - این دیدگاه و نکته را مطرح می‌کند که فقط شتاب دادن به فرایند صلح می‌تواند اثر مثبتی بر مبارزه با ترس و وحشت داشته باشد.<sup>(۴)</sup> احساس عمومی رهبریت فعلی اسرائیل این است که تهدیدات عمده در کشورهای دورتر متمرکز شده در حالی که روابط با همسایگان عرب اسرائیل رو به بهبود است. بطور خلاصه، دولت کارگری فرایند صلح را نه تنها به منزله روزنه امید برای جلوگیری از جنگ با همسایگان بلافصل اسرائیل مطرح می‌کند، بلکه به عنوان راهی برای مشارکت با فضای منطقه‌ای مطرح می‌شود که با ختنی سازی موشک‌های دوربرد و سلاح‌های غیر متعارف بیشتر تناسب دارد.

خوش بینی در مورد دورنمای صلح و ثبات در خاورمیانه به ارزیابی از محیط امن بین‌المللی مرتبط شده است. با پایان یافتن عمر اتحاد جماهیر شوروی، نیاز به یک پیمان جهانی برای رویارویی با حضور شوروی در منطقه از بین رفته است. رابین اعتقاد داشت

۱- برای نقش تنفر عمومی از همکاری بنگرید به :

Arthur Stein, "Coordination and Collaboration: Regimes in an Anarchic World," *International Organization* 36 (Spring 1982): 304-11.

۲- بنگرید به گزارش سخنان رابین به مجلس اسرائیل در روزنامه Haaretz شماره ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳.

3- Peres, the new Middle East, 77 .

4- Haaretz, 1 Dec.1994. سخنرانی بیلین در مجلس اسرائیل.

در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۳.

که تا وقتی اسرائیل با وفاداری کافی با اعراب مذاکره می‌کند و تمایل به مصالحه را نشان می‌دهد و در فرایند صلح ریسک‌پذیری دارد، حمایت کلی آمریکا تأمین می‌شود. علاوه بر این، تهدیدی که از طرف رادیکالیزم اسلامی نسبت به غرب پدیدار شده، توسط بسیاری از نخبگان سیاسی اسرائیل به منزله عاملی مهم در پیمان آمریکا - اسرائیل مورد ملاحظه قرار گرفته بود. در مقایسه با گذشته، اسرائیل دیگر احساس انزوا نمی‌کرد؛ احساسی که همیشه برای حامی فرمانطقه‌ای اسرائیل یک بار اضافی بوده است. عملاً بسیاری از کشورهای جدید و قدیمی به اسرائیل به عنوان یک مجرای مناسب برای بهبود روابط با قدرت برتر جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا می‌نگرند. بنابراین، احساس عمومی در میان تصمیم‌گیران اسرائیلی در اواسط دهه ۱۹۹۰ این بوده که رابطه آمریکا - اسرائیل بر اساس یک خط سیر ثابت است. این مسأله با ترس از دست دادن ویژگی داشتن روابط با یک قدرت بزرگ در گذشته تفاوتی آشکار دارد.

#### ارزیابی مجدد ماهیت قدرت ملی

همراه با این برداشتهای نوین از محیط خاورمیانه به نظر می‌رسد که رهبران حزب کارگر مفهومی اصلاح شده از قدرت ملی و امنیت را پیش کشیده‌اند. پرز عملاً اهمیت تهور نظامی را تحقیر کرده است. وی در سخنانش با گروهی از متخصصان در سال ۱۹۸۹ ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش اسرائیل نیست که قدرت کشور را تعیین می‌کند، بلکه موفقیت‌های علمی و تکنولوژیکی آن است که تعیین کننده است، با تأکید بر اینکه در دنیای امروز اقتصاد مهمتر از استراتژی است.<sup>(۱)</sup> در پایان آن سال در واکنش به پیشرفتهای اروپای شرقی، پرز در مورد مستهلک شدن نیروی نظامی صراحت بیشتری نشان داد. او مشاهده کرد که تسلیحات آنقدر گران شده که خرید آنها از نظر اقتصادی می‌تواند مخرب باشد؛ در حالی که آن چیزهایی که در حقیقت اهمیت دارند توسط نیروی نظامی

Haaretz, 2 June 1989.

۱- برای اطلاع از سخنان شیمون پرز، بنگرید به:

و برای یک بحث فنی و استادانه در مورد تغییر ماهیت قدرت، بنگرید به:

Seyom Brown, "The Changing Essence of Power," *Foreign Affairs* 52(January 1973): 286-299.

قابل دستیابی نیستند<sup>(۱)</sup>. کتاب وی - که چشم اندازهای پیدایش یک خاورمیانه جدید را تجزیه و تحلیل می‌کند - جنگ را به منزله یک چیز بیهوده و متروک تلقی می‌کند و برتری تانکها، توپها و هواپیماهای جت را در رویارویی با جنگهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی زیر سؤال می‌برد.<sup>(۲)</sup> از نظر او، این بحثها درباره امنیت باید به پاسخهای سیاسی ختم شود: فرایند صلح به جای ابزارهای نظامی.<sup>(۳)</sup>

تغییرات در تفکر رابین با تأخیر، ولی بسیار قابل ملاحظه بودند. او در اولین نوشته‌اش به مجلس اسرائیل به عنوان نخست وزیر گفت که «امنیت نه تنها در تعداد تانکها، هواپیماها و قایقهای توپدار مجسم می‌شود بلکه امنیت ممکن است اولین شرط بقای انسان باشد: شهروند اسرائیلی و ... آموزش او، خانه او، مدرسه او، خیابان، همسایگی و جامعه‌ای که او در آن رشد می‌کند...»<sup>(۴)</sup>.

رابین نظیر پرز، در گزارش خود که در ژوئن سال ۱۹۹۴ منتشر شد، بر اهمیت عوامل اقتصادی تأکید کرد. «گام برداشتن به سمت ایجاد رابطه حسنه بین اسرائیل و کشورهای عربی فرایندی را ایجاد می‌کند که اقتصاد را به نیروی محرکه‌ای تبدیل می‌کند که روابط منطقه‌ای را به جای منافع ملی گرایانه که قبلاً رایج بود، شکل می‌بخشد».<sup>(۵)</sup> رابین با خطرناک نشان دادن تهدید اسلام، خاطرنشان کرد «که عملاً تنها راه خشکانیدن مرداب اسلام رادیکال، توسعه اقتصادی و بهبود سطح استاندارد زندگی است»<sup>(۶)</sup>.

علت تأکید بر اهمیت عوامل اقتصادی در برخورد با مسائل امنیت ملی، تأثیر روحی و معنوی سوسیالیسم و لیبرالیسم است. رهبریت کنونی اسرائیل جنبه ایدئولوژی سوسیالیستی دارد که بتدریج با عقاید لیبرالی برگرفته از امریکا جایگزین یا تکمیل گردیده

1- Shimon Peres, "the ...

2- Peres, the New Middle East, 49,78.

3- Shimon Peres, "The Knife and the missile" Maariv, Shabat Supplement, 25march 1993,10.

۴- اظهارات رابین هنگام معرفی دولت جدید خود به مجلس، خلاصه مذاکرات مجلس در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۹۲.

۵- بنگرید به روزنامه Haaretz در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۴.

6- "Policy Statement by Pmyitzak Rabin to the Knesset", SOCT.94

است. هر دو ایدئولوژی به ابعاد اقتصادی در معاملات بین المللی اهمیت زیادی می دهند.<sup>(۱)</sup> تکنولوژی از نظر نخبگان سیاسی اسرائیل به عنوان یک عنصر مهم قدرت ملی مورد توجه بوده و نیروی دفاعی اسرائیل (IDF) همیشه در آرزوی داشتن تکنولوژی پیشرفته در مقابل حریفان خود بوده است. استفاده آمریکا از سلاحهای هوشمند در طی دومین جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، همانند سایر کشورها تأثیر عمیقی بر اسرائیل گذاشت. در نتیجه توجه اسرائیل به سلاحهای هوشمند و سیستمهای پیشرفته تکنولوژیک افزایش یافته است.<sup>(۲)</sup> تکنولوژی نظامی پیشرفته به دلایل متعددی ارزش استراتژیک زمین را کاهش داد. در مقابل حفظ مرزها، پرز بحث صلح طلبانه پذیرفته شده را اعلام داشت: زمانی که موشکها پرواز می کنند، موانع فیزیکی دیگر مناسب نیستند.<sup>(۳)</sup> این دیدگاه با دیدگاههای قبلی خودش و دیگران تفاوتی آشکار داشت. بعد از سال ۱۹۶۷ مرزهای امن و قابل دفاع، هدف سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت در حالی که بعد از سال ۱۹۷۳ گرایش به تجربه کردن مناطق غیر نظامی و سپر در منطقه سینا ایجاد شد.<sup>(۴)</sup>

۱- برای روابط بین عقاید اقتصادی و روابط بین الملل بنگرید به :

Robert Gilpin, "Three models of future, the Future," *International Organization* 29 (Winter 1965): pp. 37-63.

۲- برای دیدگاههای اسرائیل در مورد افزایش اهمیت تکنولوژی در میدان نبرد آینده بنگرید به:

Zeev, Ben "The impact of technological Developments on the Strategic Balance in the Middle East" in Shlomo Gazit and Zeev Eytan, eds., *The Middle East Military Balance, 1993-1994* (Boulder, Co: Westview Press for the Jaffee Center for Strategic Studies, 1994), 148-63; Aharon Levran, *The Strategic and Military Implications of the Second Gulf War, BESA Studies in Mideast Security* (London: Frank Cass, 1996).

3- Peres, the new middle east, 77-78.

4- Horowitz, "The constant and the Changing in Israeli Strategic Thinking," 74-75; See also Yair Evron, *The Demilitarization of Sinai*, Jerusalem Papers on Peace Problems No. 11 (Jerusalem: The Leonard Davis Institute for International Relations,



پیمان کمپ دیوید با مصر در سال ۱۹۷۸ باعث انحراف از این تفکر شد؛ چرا که این پیمان، عقب نشینی اسرائیل به مرز بین المللی را تصریح می‌کرد. در آن زمان، تقریباً یک چهارم اعضای حزب کارگر در مجلس اسرائیل از حمایت و موافقت خودداری کردند زیرا این پیمان بر مرزهای قابل دفاع اصراری نداشت. امروزه در بین اعضای حزب کارگر مجلس با تمایل دولت رابین برای عقب نشینی کامل از بلندیهای جولان مخالفت کمی وجود دارد. به رغم اینکه این حزب قبل از انتخابات سال ۱۹۹۲ قول داده بود که حضور اسرائیل را در آنجا حفظ کند، مورد چای گور در مجلس تلویحاً بیان داشت که دولت بازپس دهی کامل جولان را مد نظر دارد و اشاره کرد که این روزها کلید پیروزی در جنگ، تکنولوژی نظامی است نه قلمرو کشور. علاوه بر این، او با تأیید نظریات سادات، به عدم وابستگی مرزهای قابل دفاع اشاره کرد.<sup>(۱)</sup> بیلین - عضو حزب کارگر - از موضع حزب خود نیز منحرف شد و تقاضا کرد که رودخانه اردن دیگر به عنوان مرز امنیتی شرقی اسرائیل تلقی نشود.<sup>(۲)</sup> بر اساس این تفکر رایج نوین، عمق استراتژیک و مرزهای قابل دفاع - عناوین آرمانی در گذشته - یک اشتباه تاریخی استراتژیک هستند. اندیشه مرزهای قابل دفاع - که در گذشته بر نقشه موضعی و جغرافیا تأکید داشت - معنای جدیدی را می‌طلبید. امروزه عناصر اصلی این تفکر، سیاسی هستند. این مسأله مورد بحث قرار گرفت که فقط آن مرزهایی امن هستند که متقابلاً توسط اسرائیلها و اعراب مورد موافقت قرار گرفته‌اند.

بنابراین، سکوت همراه با رضایت اعراب، مهمتر از توان بالقوه نظامی برای کشیدن خطی خاص بر روی نقشه است. این دورنما در نظر مورد چای گور در اثر ادامه توافقی با

Hebrew University, 1975); Dan Horowitz, *Israel's Concept of Defensible Borders*, Jerusalem Papers on Peace Problems No. 16 (Jerusalem: The Leonard Davis Institute for International Relations, Hebrew University, 1975); Inbar, "Israeli Strategic Thinking After, 1973," 41-42.

1- Mordechai Gur, official Transcript, 13-sep.1994.

2- Haaretz, 16 Nov. 1993

سوریه - که بر عقب نشینی از سرزمین تأکید دارد- شکل گرفت.<sup>(۱)</sup> به همین گونه، پرز اهمیت عمق استراتژیک را مطرح کرد. به نظر می‌رسد کمترین تعداد از نخبگان نظامی فعلی با تأکید رهبری سیاسی بر عناصر سیاسی تعیین مرزها موافقت داشته باشند. به عقیده رئیس ستاد ارتش - ژنرال آمنون شاهاک - یک سفارتخانه سوریه در اسرائیل، مهمتر از یک ایستگاه اعلام خطر اولیه است<sup>(۲)</sup>؛ در حالی که Maj-Gen Zoer Livneh اظهار داشت که «صلح، بهترین امنیت است».<sup>(۳)</sup>

یک پیشامد جانبی، تحلیل رفتن این عقیده است که توافقات می‌تواند کارکردهای امنیتی را ایجاد کند. رابین یک بار بین امنیت و توافقات سیاسی تمایز قائل شد، توافقات بر سر راه‌های تجاوز ممکن در طول مرز که به مسأله امنیت ارتباط داشت، انجام شد. بر اساس تفکر امنیتی رسمی اسرائیل، این توافقات در زمینه «دفاع از سرزمین» متبلور شده بود که برای کاهش پیشروی نیروهای دشمن و جبران کمی عمق استراتژیک برقرار شده بودند؛ اما اخیراً رابین اعلام کرد که صلح با سوریه در مقایسه با توافقات بر سر بلندپایه‌های جولان، امنیت بیشتری را فراهم می‌آورد.<sup>(۴)</sup>

اظهارات وی نشانگر نظریات بیشتر اعضای کابینه‌اش بود. کم ارزش کردن نقش امنیتی توافقات، به کاهش علاقه اسرائیل به سرزمین موعودشان نیز مربوط است. نسل جوانتر رهبران اسرائیل بر عقیده «دولت اسرائیل» متمرکز بود تا بر سرزمین اسرائیل و اندیشه قدیمی صهیونیسم مبنی بر سکونت در سرزمین اسرائیل باستانی دیگر به شدت گذشته طرفدار نداشت.<sup>(۵)</sup>

تأکید اخیر بر اهمیت عوامل اقتصادی و تکنولوژیکی در ارزیابی قدرت ملی، به

1- Aryeh Kaspi, "Interview Amnon Shahak", Al Hamishmar, 25 Apr. 93.

2- Official transcript ,13 sep, 1994 Bamachane, 25 May 1994, 33.

4- Yediot Aharonot ,22 April 1994, 3.

۵- برای ظهور دولت‌گرایی به عنوان عنصر اصلی آیین مدنی اسرائیل بنگرید به:

Charles S.Liebman and Eliezer Don-Yehiya, *Civil Religion in Israel* (Berkeley: University of California Press, 1983), 81-122.

ارزیابی مجدد توان اسرائیل و توازن قدرت نسبت به همسایگانش منجر شد. برتری تکنولوژیکی اسرائیل در خاورمیانه و این واقعیت که تولید ناخالص ملی این کشور از تمام همسایگان عرب بلافصلش بیشتر است، باعث شد، این تصور قدیمی، که اسرائیل در مقایسه با رقیبان عربش از منابع کمتری برخوردار است، کمرنگ شود. چنین تجزیه و تحلیلی باعث می‌شود که احساس تهدید، کاهش بیشتری یابد.

#### تفراز به کارگیری زور

علاوه بر کاهش اهمیت قدرت نظامی می‌توان گرایشی آشکاری نسبت به بی میلی بیشتر به استفاده از زور را مشاهده کرد. آخرین نشانه‌های چنین گرایشی بعد از جنگ ۱۹۷۳ ظاهر، و بعد از جنگ ۱۹۸۲ در لبنان بیشتر مشخص گردید. این ناخوشایندی در سطح وسیعی از رهبریت سیاسی کنونی اسرائیل در مورد تصویب تصادفات تشویق کننده یا بازدارنده، از مباحث عمومی درباره درگیری نظامی اسرائیل از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ در لبنان آشکار می‌گردد.<sup>(۱)</sup> بعد از تجاوز سال ۱۹۸۲، حزب کارگر در خط مشی خود شرطی را گنجانده که به کارگیری زور مستلزم جلب نظر اکثریت خواهد بود. این وضعیت بی سابقه، شاخص دیگری از عدم تمایل رو به رشد در میان رهبری حزب کارگر برای به کارگیری زور و مانعی جنبی برای آزادی عمل اسرائیل است.

مبارزات لبنانیها که موجب بدبختی است نیز به منزله درس آشکار در مورد محدودیتهای قدرت نظامی اسرائیل به شمار می‌رود. نیروی زمینی اسرائیل در بیروت بود، اما اسرائیل نمی‌توانست برتری نظامی خود را برای رسیدن به اهداف سیاسی - صلح با لبنان، که اغفال کننده از آب درآمد- تبدیل کند؛ به همین شکل انتفاضه فلسطین - که در سال ۱۹۸۷ آغاز گردید - به رهبریت اسرائیل فهماند که بزرگنمایی قدرت نظامی برتر در مقابل قیام مردم چقدر مشکل است. گرچه اسرائیل در مسأله آوردن سازمان

1- Efraim Inbar, 'the 'No Choice war'Debate in Israel, "journal of strategic studies

مصاحبه‌های نویسنده با شصت و هفت نماینده مجلس اسرائیل در طی تابستان. 22-37 (March 1989): 12

سال ۱۹۹۰ این نکته را تقویت میکند.

آزادبخش فلسطین (PLO) به سوی پذیرش یک راه حل دو جانبه و یک توافق مرحله‌ای موفق شد، اما فلسطینیها در راستای تأسیس دولت پیشرفت کردند. ناخوشایندی اسرائیل از اینکه سرزمینها را با پلیس اداره کند، زمانی افزایش یافت که تمایل به جدایی با بخشی از آن سرزمینها ایجاد شد.<sup>(۱)</sup>

عکس‌العمل نظامی اسرائیل نسبت به قیام فلسطینی‌ها یک سیاست آگاهانه به کارگیری زور بود به منظور اینکه از مخالفت‌های زیاد داخلی و این احساس در بین بیشتر جمعیت عرب مبنی بر اینکه چیزی را ندارند که از دست بدهند، جلوگیری کند.<sup>(۲)</sup> صلح طلبان حزب کارگر مانند لوزی بارام، دیوید لیبی و اورانامیر- تمام وزیران دولت رابین - خط‌مشی انتفاضه را خیلی خشن تلقی کردند. رابین در آن زمان به عنوان وزیر دفاع عمل می‌کرد. در ژانویه ۱۹۹۳، بارام حتی خلع سلاح سربازان نیروی دفاعی اسرائیل را قبل از ورود به اردوگاه‌های آوارگان پیشنهاد کرد.<sup>(۳)</sup>

خودداری از به کارگیری زور وضعیتی منحصر به حزب کارگر نیست. طی دوره ۱۹۹۲-۱۹۹۰ رهبر حزب لیکود - اسحق شامیر - بر اکثریت جناح راست دولت وقت اسرائیل حاکم بود. با وجود این، در مورد انتفاضه همان سیاستی که توسط رابین اتخاذ شد همچنان باقی ماند؛ در حالی که مباحث امنیتی چندی بدون پاسخ ماند. در اکتبر سال ۱۹۹۰ سوریها برای عقب راندن ژنرال میش عون از لبنان از نیروی هوایی استفاده کردند. نقض آشکار «خطوط قرمز» بین اسرائیل و سوریه، تفاهمات مربوط به محدودیتهای حضور نظامی سوریه و فعالیتهای نظامی در لبنان. حتی تجاوز دو جانبه اعراب به مراکز جمعیتی اسرائیل موجب یک عکس‌العمل نظامی نشد. دولت شامیر علی‌رغم تهدیدات

1- Giora Goldberg, Gad Barzilai, and Efraim Inbar, The Impact of Intercommunal Conflict: The Intifada and Israeli Public Opinion, Policy Studies No. 43 (Jerusalem: The Leonard Davis Institute, the Hebrew University, February 1991).

2- Efraim Inbar, "Israel's small war: the Military Response To Intefada, "Armed Forces and Society 18 (Fall 1991): 29-50.

3- Haaretz, 27 Jan. 1993.

صریح برای انجام چنین کاری از مقابله به مثل در مقابل حملات موشکی عراق در سال ۱۹۹۱ خودداری کرد. اوضاع بین‌المللی طوری بود که این تهدیدات، رعایت جانب احتیاط و خویش‌ننداری را دیکته می‌کرد.

فرایند صلح نیز آزادی اسرائیل را برای استفاده از زور محدود کرده است به گونه‌ای که اکنون دولت اسرائیل مجبور به در نظر گرفتن عکس‌العمل عرب‌های میانه رو علیه هر حمله اسرائیل به اهداف اعراب است. پذیرش وسیعتر اسرائیل در منطقه، به کارگیری دکترین امنیتی مرسوم را که بر استفاده از زور برای افزایش بازدارندگی تأکید می‌کند، برای اسرائیل مشککتر می‌سازد؛ بویژه یک گرایش ذاتی بین حفظ وضعیت بازدارنده و دنبال کردن سیاست توافق به منظور تنش کمتر و تسهیل در مذاکرات صلح وجود دارد؛<sup>(۱)</sup> به طور مثال زمینه سازیها در خصوص حملات موشکی از طرف همسایگان یا کشورهای دوردست یک عنصر تهدید برانگیز است. اسرائیل - بویژه در زمان دولت رابین - استراتژی اطمینان دادن به همسایگان عرب را اتخاذ کرد مبنی بر اینکه قصد و تمایلات اسرائیل صلح آمیز است و نشان می‌دهد که استفاده از دیپلماسی سیاسی می‌تواند در مقایسه با به کارگیری زور مفیدتر واقع شود.<sup>(۲)</sup> دولت را بین پاسخ به حملات حزب‌ا... از جانب لبنان را محدود کرد تا تنشها را به حداقل برساند زیرا این تنشها میتواند مانع مذاکرات صلح با سوریه باشد. در زمینه مشکلات مرز شمالی اسرائیل، گور عنوان کرد که: اسرائیل قبل از عملیات نظامی از تمام روشهای سیاسی ممکن به منظور جلوگیری از وارد آمدن آسیب به فرآیند صلح استفاده خواهد کرد<sup>(۳)</sup> تنها بعد از چندین ماه

۱- برای بحث بازدارندگی اسرائیل در زمینه فرایند صلح، بنگرید به:

Efraim inbar and Shmuel Sandler, "Israeli Deterrence Strategy Revisited," *Security Studies* 3 (Winter 1993/94): 346-48.

۲- برای تجزیه و تحلیل یک چنین استراتژی، بنگرید:

Janice Gross Stein "Reassurance in The international conflict Mangement", *Political Science Quarterly* 106 (Fall 1991): 431-51.

3- Haaretz, 11 Nov. 1992.

خودداری، دولت رابین با قدرت آتش سنگین در جولای ۱۹۹۳ عکس‌العمل نشان داد که بعد از آن حملات با کاتیوشا به مناطق مسکونی اسرائیل در مرز شمالی تکرار شد که این نکته قصد اسرائیل را از خودداری از هر تشنجی آشکار می‌سازد. در دسامبر ۱۹۹۴ رابین فرمانده جدید شمال - ژنرال آمیرام لوین - را به دلیل درخواست حمایت بیشتر آفندی در مقابل افزایش حملات حزب ا... در جنوب لبنان مورد انتقاد قرار داد. علاوه بر این، افسران عالی‌رتبه نیروی دفاعی اسرائیل شکایت داشتند که رده‌های سیاسی، دستشان را در جدال با حزب ا... می‌بندند.<sup>(۱)</sup> محدود کردن ابتکار عمل نیروی دفاعی اسرائیل در رویارویی با فلسطینیان، توسط چندین وزیر هم بیان می‌شد؛ حتی وزیر ارتباطات Shulamit Aloni از جناح چپ حزب meretz پیشنهاد کرد که اسرائیل، دستگیری رهبران حماس و سازمان آزادیبخش فلسطین را در مناطق تحت حکومت اسرائیل متوقف کند چرا که چنین جستجو و تعقیبی با مذاکرات صلح موقت با فلسطینیان در تناقض است. خویشنداری، برجسته‌ترین ویژگی در حزب کارگر و جناح صلح طلب بوده است؛ در حالی که بحث شد که استفاده از زور، ترس قبلی اعراب از تجاوز و سلطه‌طلبی اسرائیل را برمی‌انگیزد. بطور خلاصه، عملیات نظامی اسرائیل به مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی پیچیده‌تر از آنچه در گذشته رایج بوده، مقید شده است در حالی که یک دشمن متحد عربی در مقابل اسرائیل قرار دارد.

تنها محاسبات سیاسی نیست که مانع از استفاده از زور می‌شود؛ نیروهای اجتماعی نیز دست اندرکار هستند. اولین پدیده، تغییر منزلت نیروی دفاعی اسرائیل در جامعه این کشور است.<sup>(۲)</sup> ارتش زمانی یک سازمان ملی با حرمت با وظایف جانبی متعددی بود.

۱- برای شکایت اخیر بنگرید به: Maariv, shabbat... Supplement, 21 Jan. 1995, 19.

۲- برای تغییر تأثیر متقابل بین نیروی دفاعی اسرائیل و جامعه اسرائیل، بنگرید به:

Stuart A.Cohen "The Lsrael For the changing interactions between the IDF and Israeli society, see Stuart A. Cohen,"The Israel Defense Force (IDF): From a 'People's Army' to a 'Professional Military' - Causes and Implications, "Armed forces and Society 21 (Summer 1994): 237-54; and his "How Did the Intifada Affect

امروزه ارتش مقداری از درخشش خود را از دست داده است و خدمت در نیروی دفاعی اسرائیل دیگر یک کارت ضروری برای ورود به جامعه اسرائیل تلقی نمی‌شود. نیروی دفاعی اسرائیل در حال تبدیل به چیزی فراتر از منافع حرفه‌ای گروهی، و در معرض انتقاد عمومی است. مباحثات درباره به کارگیری نیروی دفاعی اسرائیل در عملیات لبنان و انتفاضه به کاهش حفظ نیروی دفاعی به عنوان تجسم نظر ملی کمک کرد.<sup>(۱)</sup> این کاهش اعتبار نیروی دفاعی اسرائیل، تأثیری منفی بر نظریات به کارگیری زور گذاشت.<sup>(۲)</sup> علاوه بر این، امروزه اغماض کمتر در مورد محاسبات غلط نظامی باعث می‌شود که سیاستمداران در تصمیم‌گیری برای استفاده از زور، دقیقتر باشند. گرچه پرهیز از ضایعات در جنگ، همیشه جزئی از برنامه‌ریزی نظامی بوده است، اکنون در اسرائیل حساسیت بی‌سابقه‌ای نسبت به تلفات وجود دارد. تعداد تلفات، معیاری مهم برای قضاوت در مورد میزان موفقیت عملیات نظامی شده است؛ بطور مثال یک عامل عمده در خودداری رهبری سیاسی از تأیید عملیات نظامی در جنوب لبنان در سالهای اخیر، ترس از تلفات است. به نقل از یک افسر عالی‌رتبه، رابین به فرماندهان نیروی دفاعی اسرائیل در شمال دستور داد که عملیات راحتی به قیمت از دست دادن اهداف نظامی و

---

the IDF," Conflict Quarterly 14 (Summer 1994): 7-22.

1- Stuart A. Cohen, "Masquerader's in the Israel Defense Forces, 1991-1992: The Military Unit and the Public Debate," Low-Intensity Conflict & Law Enforcement 2 (Autumn 1991-1993): 293-96.

۲- برای بحثی مشابه در مورد کاهش ارتشهای غربی و خویشننداری ناشی از آن بنگرید به:

Pascal Venesson, "Peace For similar argument about the decline of Western armies and consequent restraint, see Pascal Venesson, "Peace and Paralysis: Decline of Western Military Elites and Non-Intervention in International Politics" (paper presented for delivery at the 16th World Congress of the International Political Science Association, Berlin, 21-25 August 1994)

به منظور جلوگیری از تلفات محدود کنند؛<sup>(۱)</sup> به علاوه، پدیده نوین آزادی نیروی دفاعی اسرائیل برای درگیری والدین سربازان وظیفه در جریان نظامی روزمره (که به آسانتر کردن زندگی نظامی، و ایجاد روابط عمومی مناسب اعتقاد داشتند) تأثیرات منفی بر جنبه‌های عملی فعالیتهای نظامی می‌گذارد.<sup>(۲)</sup> مانع دیگر در استفاده از زور - بویژه در داخل سرزمینها - اهمیت بیشتر قائل شدن برای عوامل قانونی توسط رهبریت سیاسی است. از سال ۱۹۷۳ مجموعه‌ای از کنترل‌های نیمه قضایی و قضایی تدریجاً محدودیت آزادی عمل دولت در فضای جامعه را آشکار ساخت.<sup>(۳)</sup> تصمیمات امنیتی از قبیل قواعد درگیری در داخل سرزمینها و جنوب لبنان، بطور فزاینده‌ای در معرض رسیدگی قانونی قرار می‌گیرند. رایین اغلب شکایت می‌کرد که منازعه در قبال انتفاضه با اصرار وزارت دادگستری بر یک بنیان قانونی خاص برای عملیات نظامی اسرائیل در داخل سرزمینها به تعویق افتاده بود؛ گفته او مبنی بر اینکه او در جستجوی یک دستیار برای مراقبت از امنیت داخلی در غزه، بدون دادگاه عالی سازمانهای حافظ حقوق بشر است، معروف است.<sup>(۴)</sup> قویترین نیروی اجتماعی مانع از به کارگیری زور، خستگی عمومی ناشی از درگیری طولانی است. در سالهای اخیر، جامعه اسرائیل نشانه‌هایی از محاصره شدن روز افزون، بی‌زاری از جنگ، و ناشکیبایی در مورد راه حلی برای درگیری اعراب - اسرائیل نشان داده است. جامعه اسرائیل هزینه‌ها و تلفات زیادی را در طول شش جنگ متحمل شده است که باعث تشنگی طبیعی نسبت به پایان دادن به زور می‌شود. مطالعات نشان داده است که جنگها نه تنها بر سربازان اسرائیلی که در جنگ شرکت داشته‌اند، بلکه بر خانواده‌هایشان نیز تأثیر روانی داشته است. سربازان قدیمی و کهنه‌کار به عنوان یک

1- Immanuel Resen, "The security Zone: The Price is Too High," Maariv, Shabat Supplement, 27 July 1993, 8. See Also Eitan Rabin, "We Have Seen This Movie Several Times Already," Haaretz, 12 July 1993.

2-Zeev Schiff, "the children are Too Tired," Haaretz, 8 Feb. 1995.

3-See menachem Hofnung, Lsrail's Security Needs Versus The Rule of Law [Hebrew] (Jerusalem: Nevo, 1991). 4-Yediot Aharonot, 3 sep.1993,4.



تجربه جنگی بطور فزاینده‌ای به میزان هزینه‌ای که درگیریهای طولانی در بر دارند، حساس هستند. این آگاهی به گرایش بیشتر به صلح منجر می‌شود.<sup>(۱)</sup> شاخص دیگر، خستگی از درگیری و کاهش تمایل جوانان اسرائیلی برای خدمت در نیروی دفاعی اسرائیل است.<sup>(۲)</sup> در ماه مارس ۱۹۹۵، نیروی دفاعی اسرائیل برای نخستین بار اطلاعات جدیدی را منتشر کرد که نشانگر کاهش تدریجی درصد داوطلبان خدمت در واحدهای رزمی بود.<sup>(۳)</sup> رأی‌گیریهای عمومی، روند دائمی صلح طلبی را در طی زمان نشان می‌دهد. در واقع این به معنی گرایش بیشتر به جدایی از سرزمینهای اشغالی در ۱۹۶۷ و تا اندازه‌ای اکراه از به کارگیری زور است.<sup>(۴)</sup> این عامل اجتماعی به طور خالص «بعد فراموش شده استراتژی» نامیده شده است.<sup>(۵)</sup> در بسیاری موارد از درگیریهای طولانی، مذاکره کنندگان از جنگ بیزار شده‌اند بنابراین نتیجه درگیری نه تنها توسط قدرت نظامی برتر، بلکه توسط پشتکار و توانایی تحمل رنج تعیین می‌شود.<sup>(۶)</sup> خستگی از اداره سرزمینها با نیروی پلیس و رویارویی با شهروندان، دشمن مؤثری برای پذیرش پیمان صلح فلسطین - اسرائیل در سال ۱۹۹۳ گردید که متضمن صرف نظر کردن از کنترل بر

۱- برای مطالعه در مورد تأثیری جدی بر همسران سربازان بنگرید به: Zehara solomon

2-Amira segev, "Interview with Reuven Gal," Haaretz, lloct. 1994.

3-Haaretz, 22 Mar.1995.

4- Gidberg et al.,the Impact of Intercommunal Conflict; Gad Barzilai and Efraim Inbar,"Do Wars Have an Impact? Israeli Publi Opinion After the Gulf War" Jerusalem Journal of International Relations 14 (March 1992): 48-64; Asher Arian, Israeli Security and the Peace Process: Public Opinion in 1994, JCSS Memorandum no. 43 (Tel Aviv: JCSS, Tel Aviv University, March 1994).

5- Michael Howard,"The forgolten Dimension of Strategy,"Foreign Affairs 57 (Summer 1979): 975-86.

6- Steven Rosen, "War Power and the Willingness to Suffer" in Bruce M. Russett, ed.,Peace,War and Numbers (Beverly Hills, CA: Sage Publications, 1972),167-83.

غزه و اریحا بود. خسته شدن از درگیری طولانی، مذاکره کنندگان را به تجدید نظر در اهداف رهنمون می‌سازد. در نتیجه ملیت‌گرایی اسرائیل و سیاست خارجی آشکارا دستخوش تغییرات می‌شود. مشروعیت استفاده‌های پیشین اسرائیل از زور زیر سؤال می‌رود. اندیشه قدیمی اسرائیل بزرگ در اسرائیل کم طرفدارتر شده است. مهاجران قدیمی از نظر بسیاری از اسرائیلیان، به عنوان مانعی برای صلح قلمداد می‌شوند. برتری‌های استراتژیک در زمینه نقشه مرزی و اسکان در حال حاضر بیش از قبل مورد بحث قرار می‌گیرند؛ خصوصاً، هزینه انسانی و اقتصادی برای حفظ نقاط مسکونی.

رهبرانی مانند رابین و گور دریافتند که جامعه، نشانه‌هایی از خستگی را نشان می‌دهد و از دادن بهای سنگین درگیری طولانی مدت با اعراب اکراه بیشتری دارد. رابین رفتار اسرائیلیها را، زمانی که توسط مصریها در سال ۱۹۴۸ بمباران شدند، با آنچه طی حملات موشکی در سال ۱۹۹۱ اتفاق افتاد، مقایسه کرد. در سال ۱۹۴۸ بیش از سی نفر تلفات غیر نظامیان در تل‌آویو، اثری بر زندگی روزمره نگذاشت در حالی که در سال ۱۹۹۱ شهر تل‌آویو و حومه‌اش توسط ده‌ها هزار نفر ترک شد. نتیجه‌گیری او این بود که اسرائیلیها مقداری از پشتکار و عزم خود را از دست داده‌اند.<sup>(۱)</sup> ژنرال اهودباراک رئیس سابق ستاد (۱۹۹۱-۹۴) اغلب نگرانی در مورد بافت اجتماعی اسرائیل را بیان می‌کرد. بطور نمونه، او تحولات در جامعه اسرائیل را بیان می‌کرد: «... خستگی زیاد و بدبینی، همراه با رسانه‌های پر خاشاک و مداخله‌گر، تخفیف یافتن افکار صهیونیستی، گسترش شکاف در اهداف سیاسی اسرائیل، حتی در مورد اهداف به کارگیری زور، (که آن را در لبنان و انتفاضه دیده‌ایم) تمام اینها مفهومی شبیه ناتوانی محض را ایجاد می‌کند.»<sup>(۲)</sup> ارزیابی باراک در بین فرماندهان ارشد گسترش یافت.

سرانجام در بین نخبگان سیاسی اسرائیل پدیده‌ای نوین وجود دارد: انتقاد از عملیات نظامی در وضعیت سیاست هزینه - کارآیی که با انتقاد فرمایشی رو به رشد نسبت به استفاده از زور توسط اسرائیل تکمیل می‌شود. در این مورد بحثی وجود دارد که چطور

۱- سخنرانی عمومی رابین در جلسه برای امنیت، یهودیت و جامعه در ۸ ژانویه ۱۹۹۵، همچنین بنگرید به:

جنگ دائمی، جوانان را تباه، و آنها را ناشکیبا و بی‌حوصله می‌کند. قرار گرفتن یک جامعه در معرض جنگ، هزینه دارد. اکنون ترس بیشتری در مورد خشونت روانی در جامعه اسرائیل وجود دارد که قبل از دهه ۱۹۸۰ این نگرانی ابراز نمی‌شد.<sup>(۱)</sup> عضو فعلی کابینه، Laborite Yeakov Tzur در بین دیگر اوضاع بد لبنان، از مسأله «انحراف از تصویر اخلاقی» نام برده است.<sup>(۲)</sup> او از فساد اخلاقی به عنوان یک اثر جانبی جنگ، وحشت دارد. از زمان شروع انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷، بیشتر چیزهایی که شنیده می‌شد بیانگر تأثیر منفی به کارگیری زور علیه غیر نظامیان بر جامعه اسرائیل بود. گور و نامیر نگرانی‌هایشان در این مورد را اظهار کردند که این نوع برخورد زمینه‌نژاد پرستی و زور مداری را ایجاد می‌کند.<sup>(۳)</sup> پرز به نظرات توماس مور در مور تأثیرات روحی انتفاضه اشاره کرد: «جنگ، شهروندان را با افزایش غارت و قتل به تباهی کشاند و قوانین به ذلت و خواری افتادند.»<sup>(۴)</sup> آلونی انتقادش را نه تنها به برخورد با فلسطینیها، بلکه به استراتژی اسرائیل در جنوب لبنان نیز کشاند زیرا نیروهای اسرائیلی «در حال اشغال سرزمینهایی در یک کشور خارجی بودند.»<sup>(۵)</sup> خودداری از صحبت درباره عملیات ویژه نظامی در بین نخبگان سیاسی اسرائیل یک نهال بیزاری رو به رشد در مورد به کارگیری زور بود.

#### تحلیل رفتن خوداتکایی

تنفر زیاد اسرائیل از به کارگیری زور برای رویارویی با منازعات منطقه‌ای، تغییر مفهوم تهدید و ارزیابی مجدد قدرت ملی را به همراه داشته است. این پیشامدها نظریه

۱- برای بحث گسترده‌تر، بنگرید به:

Efraim Inbar, "Attitudes For a more extensive discussion, see Efraim Inbar, "Attitudes Toward War in the Israeli Political Vogue to question the morality of the Zionist enterprise and the use of force needed to establish and defend the Jewish stae. For a report on this trend, see Calev Ben-David, "Heroes Under Attack," Jerusalem Report, 29 December 1994, 12-17.

۲- همان منبع، ۴۴۲. ۳- همان منبع، ۴۴۲-۳.

4- Peres, the New Middle East, 58.

5- Haaretz, 25 Dec. 1994.

خود اتکایی را هم کم اهمیت، و رهبران اسرائیل را تشویق می‌کند که اندیشه امنیت جمعی را بپذیرند.

در واقع، اسرائیلیها به این نتیجه رسیده‌اند که برخی تهدیدات منطقه‌ای عمده را نمی‌توان بطور یکجانبه مورد بحث قرار داد. این مسأله با استراتژی بنیادی خوداتکایی اسرائیل در تناقض است. ممکن است با دنبال کردن سیاست خود اتکایی، آزادی عمل نسبتاً محدود و دستیابی آسان به تسلیحات هوشمند - که از نظر یک دولت کوچک ویژگی دنیای بعد از جنگ سرد است - انتظار رود،<sup>(۱)</sup> اما اسرائیل در حال حرکت به جهتی مخالف است. رهبران اسرائیل برای واگذاری امنیت کشور به دیگران، آمادگی ندارند. با وجود این با توجه به تهدیدات جدید به نظر می‌رسد که مسئولان عالیرتبه سیاسی و نظامی بابتی اصلاح شده از امنیت ملی را پذیرفته‌اند که در آن، خوداتکایی از محوریت کمتری برخوردار است.

در پی حملات موشکی در سال ۱۹۹۱، اسرائیل دریافت که مراکز جمعیتی‌اش در مقابل حمله دشمن آسیب پذیر است و دشمنان دوردست چنین توانایی را دارند. در واقع، رهبری اسرائیل نسبت به این امکان وقوع چنین مسأله‌ای در سال ۱۹۸۸ - زمانی که طی جنگ اول خلیج، موشکهای اسکاد - c در سطح وسیعی توسط عراق علیه ایران به کار رفت - آگاهی داشت. اصولاً تهدید موشکی بدین معنی است که در مقایسه با گذشته، نیروی هوایی اسرائیل دیگر نمی‌توانست از پشت جبهه محافظت کند و در نتیجه اسرائیل ابزار تسلط خود را از دست می‌داد. تناسب برقرار شده بین توان موشکی اسرائیل و اعراب که می‌تواند تخریب قابل ملاحظه‌ای را به مراکز جمعیتی یکدیگر وارد آورند در جنگ محدود (یک تهاجم محدود یا یک جنگ فرسایش یا یک حمله موشکی

---

۱- در واقع، ظهور تولید کنندگان تسلیحات در جهان سوم در نظام بین المللی به کشورهای خریدار اجازه می‌دهد که تسلیحات را با وابستگی سیاسی کمتری به فروشندگان آنها، تأمین کنند. به این کشورها این قدرت را می‌دهند که جاه‌طلبیهایشان را با آزادی بیشتری دنبال کنند. بنگرید به:

Amit Gupta, "Third world Militaries: New Suppliers, Deadlier Weapons," orbis 37 (Winter 1993): 57-68.

محدود) به اعراب آزادی عمل بیشتری می‌دهد، زیرا اسرائیل ممکن بود در به کارگیری آن مردد باشد. قبلاً تهدید توسط به حمله موشکی به عنوان یک روش مؤثر برای مجبور کردن دشمن به توقف برخورد نظامی در نظر گرفته می‌شد. این نکته که رویارویی با منازعاتی که از مناطق دور از مرزهای اسرائیل ناشی می‌شود کاری بسیار مشکل است، ادراکی جدید بود. تصمیم اسرائیل مبنی بر عدم مقابله به مثل در برابر حملات موشکی عراق در سال ۱۹۹۱، عمدتاً به علت فشار آمریکا بود. اما این باعث ایجاد شک نسبت به توانایی اسرائیل برای مراقبت از اهداف مهم با هزینه‌های کم، می‌شد. حتی شکست امریکادر زمینه تخریب یک سکوی متحرک پرتاب موشک در سال ۱۹۹۱ خیلی دلگرم کننده نبود، گرچه ارتش اسرائیل اعتقاد داشت که می‌تواند کاری بهتر از امریکاییها انجام دهد. به همین گونه، تهدید جدید در مورد تکثیر سلاحهای هسته‌ای مشکلی را برای سیاست خوداتکایی ایجاد می‌کند. اسرائیل در سال ۱۹۸۱ تهدید هسته‌ای عراق را برای مدتی از بین برد، اما اکنون این سؤال قابل طرح است که آیا اسرائیل می‌تواند چنین کار برجسته‌ای را به آسانی و به تنهایی تکرار کند. کشور خاورمیانه‌ای که طالب جدید سلاح هسته‌ای است - ایران - حتی از عراق نیز جلوتر است. موفقیت محدود حملات هوایی امریکا علیه تأسیسات هسته‌ای عراق و بی‌میلی امریکا برای به کارگیری زور در مقابل کره شمالی، نشان می‌دهد که در دهه ۱۹۹۰ حتی یک ابرقدرت برای تخریب اجزای اساسی تأسیسات زیر بنایی هسته‌ای یک کشور با مشکلاتی روبروست. برای انجام چنین کارهایی، علاوه بر کمبود شدید اطلاعات کافی، مشکلات عملی زیادی وجود دارد. اسرائیل از محدودیتهای خود در این زمینه کاملاً آگاه، و به دنبال همکاری بین‌المللی برای مقابله با منازعات جدید است. دولت اسرائیل احساس می‌کند که فعالیتهای هسته‌ای ایران نه تنها اسرائیل را به دردسر می‌اندازد، بلکه غرب را نیز دچار مشکل می‌کند. بیلین از تریبون مجلس اعلام کرد که اسرائیل از اروپای غربی و سایر کشورها - از جمله چین - خواسته است لایحه‌ای را تصویب کنند که مانع از فعالیت هسته‌ای ایران شود.<sup>(۱)</sup> رئیس سابق ستاد - باراک - گفت که ایرانها «جریان نفت به دنیای آزاد، ثبات

---

1- Haaretz, 17 feb.1993.

رژیمهای پراگماتیک و توازن داخلی در جهان عرب و رشد اقتصادی اروپا و ژاپن را مورد تهدید قرار می‌دهند. به این جهت آنها سزاوار یک تلاش پیشگیرانه جهانی هستند. آنچه لازم است یک جبهه بین‌المللی است.»<sup>(۱)</sup> به قول رابین، فقط ایالات متحده امریکا می‌تواند یک حرکت بین‌المللی برای توقف تکثیر سلاحهای هسته‌ای در خاورمیانه را رهبری کند.<sup>(۲)</sup> حتی آریل شارن و بنیامین نتانیا هو - که هر دو به باز مشهورند - دیدگاه‌هایی مشابه رابین را بیان کرده‌اند.<sup>(۳)</sup> اسرائیل در زمینه تلاش برای جلوگیری از فروش موشکهای نودنگ کره شمالی به ایران - که اسرائیل در تیر رس آنهاست - به ایالات متحده اتکا داشت.<sup>(۴)</sup>

رابین اظهار داشت که اسرائیل ترجیح میدهد قبل از به کارگیری زور، برای جلوگیری از سبقت در کسب سلاحهای هسته‌ای توسط طرفهای مقابل، هر روش دیپلماتیکی را اجرا کند.<sup>(۵)</sup> علی‌رغم گرایش به انتظار اقدام از سوی بخشی از جامعه بین‌الملل در مورد این تهدید هسته‌ای، نهایتاً اسرائیل از این شق دست نکشیده است تا خودش به تنهایی این مسأله را حل کند. اسرائیل در سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفت هواپیماهای جنگنده F-151 را به منظور افزایش قدرت جابه‌جایی مقدار زیادی مواد منفجره تا فاصله بیش از هزار مایل در تمام شرایط آب و هوایی، را خریداری کند. تا وقتی ایران مورد نفرت بین‌المللی است، آزادی عمل برای یک حمله پیشگیرانه وجود دارد. اما، تأثیر چنین حمله‌ای در هاله‌ای از سؤال باقی می‌ماند. به همین شکل، چشم‌اندازهای یک دفاع عملی در مقابل موشکها نامعلوم است که این مسأله می‌تواند باعث تقویت خود اتکایی شود. رهبریت سیاسی اسرائیل به حالت دفاع متحرک گرایش پیدا کرده است. وضعیت دفاع متحرک از

۱- مصاحبه با Bamahane, 5 Jan.1994,11

2- Davar, 17 Jan. 1992,18

3-Ariel Sharon,"The oslo Agreement: A seed for War,'Yediot Aharonot, Shabbat Supplement, 2 February 1994< 3; for Natanayahu's Statement, see Davar, 17

February 1993. 4- Haaretz, 1 Nov. 1994, A4; maarive, 16 Dec. 1994, A3.

"Interview with PM Rabin", Bamahaneh.

۵- بنگرید به:

دنبال کردن روشی که حفاظت از افراد غیر نظامی را پیشنهاد می‌کند بشدت ابا دارد؛ در حالی که نیاز به اشغال را به حداقل می‌رساند. اما عقیده بسیاری از افراد در ارتش در مورد دفاع متحرک در برابر موشکها - از جمله سیستم دفاعی ضد موشک Arrow - خیلی متفاوت است.<sup>(۱)</sup> سیستم Arrow به دلیل عدم اطمینان تکنولوژیکی حاکم بر پیشرفت و گسترش آن، و هزینه پیشنهادی ۳ تا ۵ میلیارد دلاری آن در ارتش طرفدار کمی پیدا کرد.<sup>(۲)</sup>

رابین در مجلس اسرائیل گفت که «اسرائیل هنوز از گشایشهای تکنولوژیکی و مالی برای تحقق کامل برنامه سیستم Arrow فاصله دارد.»<sup>(۳)</sup> در اصل، او دیدگاه نیروی هوایی اسرائیل را در مورد سیستم Arrow پذیرفت و سیستم ضد موشک بالستیک (ATBM) را پیشنهاد کرد که مزیت بودجه‌ای کمتری - نسبت به مقدار مصرف شده طی تصدی موشه آرن وزیر دفاع سابق - داشت. رابین همچنین تصمیم گرفت که توسعه سیستم اعلام خطر اسرائیل را متوقف کند؛ چرا که خود اتکایی را نیز تحلیل می‌برد.<sup>(۴)</sup> بنابراین، حتی اگر سیستم ضد موشک بالستیک (ATBM) گسترش می‌یافت اسرائیل هنوز هم برای اعلام خطر اولیه - که برای انتقال مردم اسرائیل به پناهگاهها در صورت حملات موشکی، خیلی مهم است - به ماهواره‌های فضایی امریکا وابسته خواهد بود.

خطرات تکثیر موشک و سلاحهای هسته‌ای شکاف بیشتری در دستیابی به توافقات امنیتی منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند. ایجاد امنیت دشوار است؛ تکنولوژی نظامی که عملاً به اسرائیل اجازه دفاع از خود در مقابل تسلیحات و دشمنان گسترده را بدهد، در واقع قابل

1- Ben, "Preference for the Rear." For a critical analysis of the active defense option in the Arrow, see Reuven Pedatzur, The Arrow System and the Active Defense Against Ballistic Missiles, Memorandum No 42 (Tel Aviv: Jaffee Center for Studies, Tel Aviv University, October 1993).

۲- بنگرید به:

Bodinger's preference for an American system to save costs and to utilize the American aid funds, Davar, 15 June 1992, 2.

3- Haaretz, 21 Jan. 1993.

4- Haaretz, 30 Apr. 1993

دسترس نیست. علاوه بر این، تکنولوژی که بتواند در مقابل تهدیدات موشک‌های بالستیک مقابله کند خیلی پیچیده و پرهزینه است که اسرائیل به تنهایی برای انجام آن شانس کمی دارد.<sup>(۱)</sup> پرز وزیر امور خارجه، بر مظاهر تهدید ناشی از پتانسیل ترکیب تسلیحات هسته‌ای و بنیادگرایی اسلامی تأکید کرد و اظهار داشت که «عصر حاضر به ابزارهای دقیق دفاع ملی، جدای از سطح وسیع توافق منطقه‌ای نیازی ندارد.»<sup>(۲)</sup> حتی گور - جانشین محافظه‌کارتر وزیر دفاع - برخی سازمان‌های بین‌المللی در راستای ائتلاف ضد عراق را پیشنهاد کرد که بتواند «تجاوز را متوقف کنند... یا بهتر از گذشته در طول زمان از آن جلوگیری کنند.»<sup>(۳)</sup> یک اثر کاهش خوداتکایی، در افزایش آشکار تمایل اسرائیل به اعتماد و حمایت از درگیر شدن نیروها و بازیگران بین‌المللی در خاورمیانه و عمل به توافقات همکاری متقابل امنیتی متجلی شده است. در واقع، پرز مدعی شد که رهیافت قدیمی در مورد امنیت، که بر خود اتکایی تأکید داشت، دیگر مناسب نیست و این رهیافت باید با یک رهیافت منطقه‌ای جایگزین شود.<sup>(۴)</sup> او با پیشنهاد یک توسعه و امنیت خاورمیانه‌ای، با یک ساختار فوق‌العاده که در برگیرنده موضوعاتی از قبیل کنترل تسلیحات، عدم تجاوز، همکاری اقتصادی و حقوق بشر باشد یک چشم‌انداز امنیتی جامع برای اسرائیل برشمرد. ایده وی، که در ابتدا در ماه مه سال ۱۹۹۴ در واشینگتن شایع شد، بعد از پیمان سال ۱۹۷۵ هلسینکی و کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (CSCE) طرح‌ریزی شد.<sup>(۵)</sup> پرز معتقد است که فرایند کنفرانس امنیت و همکاری اروپا،

1- patrick j. Garrity, "Implications of the Persian Gulf War for Regional Powers," Washington Quarterly 16 (Summer 1993): 156-7.

2- Peres, The new middle East, 83.

3- Mirsky and Rice, towards a new Era in U.S.- Israeli Relations, 31.

4- Peres, the New middle East, 61-64.

5- Jerusalem Post, international ed., 4 June.1994,2 ;

Aluf Ben, "Full Withdrawal inexchange for comprehensive Regional: Peace," Haaretz, 22 June 1994.



در اروپا موفق بوده است و باید در خاورمیانه نیز از آن تقلید شود. این اعتقاد از تأکید وی بر اهمیت عوامل اقتصادی به بهای از دست دادن پیشرفتهای سیاسی - نظامی ناشی می‌شود. بطور مختصر، ادراکات جدید از محیط و قدرت ملی، جایگزین حوزه‌ای از رهیافت سیاسی ریشه‌دار می‌شود که بر خود اتکایی تأکید داشت.

نمونه دیگری از دور شدن نظریه اسرائیل از خود اتکایی، نظر این کشور نسبت به کنترل تسلیحات است که برای رهبران اسرائیل به صورت موضوع کم اهمیتی درآمده است. پرز معتقد است که در دهه ۱۹۹۰ بازیگران خاورمیانه باید از رهیافت ابر قدرتها تقلید کنند و بیان می‌کند که «همکاری ضروری است و کنترل تسلیحات باید به شعار روز تبدیل شود»<sup>(۱)</sup> اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۹۱ در واکنش نسبت به فشار امریکا، قرار داد کنترل تکنولوژی موشکی (MTCR) را پذیرفت. این حرکت منعکس کننده منافع اسرائیل در پیگیری برقراری محدودیت تولید و تکثیر موشک در خاورمیانه بود. تفکر دیگر در مورد این موضوع در سال ۱۹۹۲ توسط وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه ارائه شد که تا پایان آن سال سیاست کنترل تسلیحات اسرائیل را تنظیم می‌کرد. در ماه سپتامبر ۱۹۹۲ کابینه اسرائیل تصمیم گرفت که پیمان تسلیحات شیمیایی (CWC) را امضا کند؛ صرف نظر از اینکه قبلاً اسرائیل بر امضای قبلی پیمان توسط اعراب پافشاری می‌کرد.<sup>(۲)</sup> اسرائیل ترجیح داد که بر کنترل نیروهای متعارف و سلاحهای شیمیایی، و تنها بر حرکت به سوی پایان فرایند صلح به منظور مطرح کردن مسأله تسلیحات هسته‌ای تمرکز کند. تا پایان سال ۱۹۹۳ اسرائیل همچنین پذیرش درخواستهای بین‌المللی مبنی بر ارائه گزارش فروش تسلیحات به مأموران ثبت تسلیحات سازمان ملل را آغاز کرده بود. این مسأله با سیاست

1- Peres, the new Middle East, 64.

Haaretz, 11 feb. 1993.

همچنین بنگرید به مصاحبه با پرز در روزنامه :

۲- بنگرید به خطابه شیمون پرز هنگام امضاء پیمان سلاحهای شیمیایی در پاریس، در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ و:

Efraim Inbar and shmvel , eds. Mideast security: the Prospects For Arms Control,

BESA Studies in Mideast Security (London: Frank Cass, 1995), 251-54.

قبل از اسرائیل در مورد پنهان سازی کلی فروش تسلیحات، تناقض داشت.<sup>(۱)</sup> در ماه مه ۱۹۹۴ این کشور بادر خواست امریکامبنی بر تحریم صادرات مینهای ضد نفر موافقت کرد. اسرائیل رهیافت منطقه‌ای کنترل تسلیحات را، که با مخالفت نظام جهانی و نمایندگان بین‌المللی مواجه شد، هنوز هم ترجیح می‌دهد.<sup>(۲)</sup> این کشور به جای اینکه فقط به پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (NPT) بپیوندد از یک خاورمیانه فارغ از سلاحهای هسته‌ای بایک شیوه منطقه‌ای بر ای جلوگیری و بازرسی حمایت می‌کند؛ بطور نمونه، اسرائیل بطور جدی گروه کاری چند منظوره برای کنترل تسلیحات و امنیت منطقه‌ای را مطرح می‌کند.<sup>(۳)</sup> کاهش احساس تهدید و منع منطقه‌ای لازم می‌توانست پیدایش روشهای تحقیق مؤثرتری را باعث شود که این تهدیدات، سدی کلی در مقابل ایجاد نظام کنترل تسلیحات هستند. با وجود این، اسرائیل بشدت در مقابل فشار کشورهای عربی و سایر کشورها برای امضای پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (NPT) ایستاده است. گرچه این فشار قبل از تجدید و گسترش این پیمان در بهار سال ۱۹۹۵ افزایش یافت، ولی اسرائیل از تمایل هسته‌ای خود دست برنداشت. اما در فوریه سال ۱۹۹۵ اعلام کرد که برای پیوستن به NPT و برای ایجاد منطقه فارغ از سلاحهای هسته‌ای دو سال بعد از اینکه یک صلح جامع برقرار شود، وارد مذاکرات خواهد شد. نشان دادن یک حد و مرز - حتی اگر خیلی تعریف شده هم نباشد - دوری اندکی از مواضع قبلی است. علاوه بر این، ابتکار کلیتون در مورد کنترل تسلیحات در ماه اوت ۱۹۹۳ - که توقف تولید مواد انشقاق پذیر را متصور

1- Haaretz, 16 Nov, 1993.

2-Efraim Inbar, "Israel and Arms Control," Arms Control 13 (September 1992): 217; Gerald M. Steinberg, "Middle East Arms Control and and Regional Security," Security, "Survival 36 (Spring 1994): 126-31. ...

۳- برای ACRC (کنترل تسلیحات و امنیت منطقه‌ای) بنگرید به:

Shai Feldman, "Progress Toward Middle East Arms Control" in The Middle East Military Balance, 1993-1994, 182-210.

بود. توسط بالاترین رده‌های اسرائیل مورد توجه قرار گرفت.<sup>(۱)</sup> شکل‌گیری یک پیمان بین‌المللی برای توقف تولید و ذخیره‌سازی مواد انشقاق‌پذیر، فشار بیشتری را بر اسرائیل وارد خواهد کرد که وضعیت هسته‌ای وی را مورد توجه قرار دهد. پذیرش این توقف، تغییری اساسی در این سیاست بود که دوری از خوداتکایی را تقویت می‌کرد. نشانه‌ی دیگر دوری از سیاست خوداتکایی، علاقه‌مندی بیشتر اسرائیل به درگیر شدن آمریکا در ایجاد سرویس‌های امنیتی برای اسرائیل است. در طی جنگ خلیج، حزب لیکود اسرائیل وجود سربازان آمریکایی مجهز به موشک‌های ماتیوت را پذیرفت. در سال ۱۹۹۳ رابین تمایل خود را به «مشارکت فعال آمریکا در امنیت اسرائیل» صراحتاً بیان کرد.<sup>(۲)</sup> خصوصاً او از آمریکاییها درخواست کرد که آتشبارهای پاتیوت را در اسرائیل مستقر کند و همکاری دو جانبه برای گسترش سیستم ضد موشک بالستیک (ATBM) داشته باشند.<sup>(۳)</sup> علاوه بر این، اسرائیل درخواستهای متعددی را برای مشارکت در نظام جهانی محافظت در مقابل موشکها داشت که آمریکاییها ایجاد این مشارکت را مد نظر قرار داده‌اند.

اسرائیل همچنین به استقرار سربازان آمریکایی در بلندیه‌های جولان به عنوان بخشی از یک پیمان صلح اسرائیلی - سوری در برگیرنده عقب نشینی اسرائیل، علاقه‌مند هستند. این نکته با تمایل بیشتر اسرائیل تطابق دارد. از سال ۱۹۷۳ بدیهی شد - که به دلیل توافقات امنیتی بین اسرائیل و همسایگانش، حضور سربازان خارجی در طول مرزهایش را بپذیرد. نیروهای بازدارنده به عنوان خبرگزاران گشتی مفیدی در نظر گرفته شده‌اند که آنها را از تحرکات دشمن باخبر، و تا حدودی حرکت به سوی جنگ را کند می‌کنند. آنها همچنین هزینه سیاسی برهم زدن وضع موجود را افزایش می‌دهند. ایفای

1- Aluf Ben, "A Dispute over Clinton's Initiative," Haaretz, 28 December 1993; Aluf Ben, "Minimizing the Peace Risks," Haaretz, 11 February 1994; Ran Adelist, "What Do We Do We Do With it?" Hadashot, Weekend Supplement, 22 October 1993, 1-3.

2- Yediot Ahronot, 21 Jan. 1993.

3- Yediot Ahronot, 16 Nov. 1993; Haaretz, 13 Nov. 1993.

نقش امریکا در بلندبدهای جولان - صلح طلبان اسرائیلی اعتقاد دارند - عقب نشینی کامل در جولان را برای جو عمومی اسرائیل دلچسب‌تر و آسانتر خواهد کرد. در ماه دسامبر ۱۹۹۵ پرز حتی یک پیمان دفاعی امریکایی - اسرائیلی را پیشنهاد کرد که قبلاً به عنوان عامل محدود کننده آزادی عمل اسرائیل رد شده بود. انگیزه دیگر اسرائیل از جستجوی جایگزین برای سیاست خوداتکایی، خسته شدن از درگیری طولانی مدت است که بر تمایل به انحراف منابع ضروری اقتصادی برای حفظ وضعیت خوداتکایی، تأثیر می‌گذارد. اقتصاد اسرائیل رشد مداومی را در دهه ۱۹۹۰ نشان داده است. این کار برجسته اقتصادی، توان اسرائیل را برای خود اتکایی نظامی و سیاسی افزایش می‌دهد. اما دستاوردهای اقتصادی فقط زمانی به وضعیت خوداتکایی منجر می‌شود که رهبری سیاسی تصمیم بگیرد مطابق آن عمل کند. در مورد اسرائیل، منابع اقتصادی به سمت نیازهای داخلی و موارد مصرفی هدایت شده‌اند. دولت رابین در سال ۱۹۹۲ با یک تعهد آشکار برای آرایش مجدد اولویتهای اسرائیل، تقدم دادن به موضوعات داخلی فراموش شده از جمله بیکاری، آموزش، وزیر بناهای حمل و نقل به قدرت رسید. در عوض وزیر دفاع رابین بودجه دفاعی را کاهش داد و در خواست نیروی دفاعی اسرائیل مبنی بر تخصیص بودجه‌ای معادل درصدی ثابت از تولید ناخالص ملی را رد کرد. رابین در دفاع از گزارش دولتش در رابطه با فقر، اظهار داشت که یک پایگاه هوایی و دو اسکادران از هواپیماهای جنگنده را تعطیل کرده است.<sup>(۱)</sup>

روند کاهنده هزینه‌های دفاعی در خاورمیانه در اواخر دهه ۱۹۸۰ با تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ پایان یافت و با مسابقه تسلیحاتی مجددی جایگزین شد. بیزاری از درگیر شدن با یک ساختار نظامی پرهزینه، محرکی برای دستیابی به تفاهماتی درخصوص برقراری قرار داد کنترل تسلیحات در منطقه، بویژه در مورد تواناییهای متعارف است. پرز اشاره کرد که ادامه دادن مسابقه تسلیحاتی و حفظ یک ارتش پیشرفته، اقتصاد را ویران می‌کند.<sup>(۲)</sup> نیروی دفاعی اسرائیل از هزینه زیاد حفظ یک ارتش

1- Haaretz, 8 Nov.1994.

2- Peres, the new middle East,80.

پیشرفته، کاملاً آگاهی دارد.<sup>(۱)</sup> علاوه بر این، به کارگیری نیروی آزموده با قدرت آتش زیاد و دقیق بطور فزاینده‌ای پرهزینه است.

موانع اقتصادی در منطقه‌ای که اسرائیل پیگیری توسعه تسلیحات خودکفا را رها کرده، حکمفرماست. در سال ۱۹۸۷ فشار دولت امریکا و محافل متعدد داخلی، اسرائیل را مجبور کرد که پروژه ساخت هواپیمای پیشرفته Lavi را مورد بررسی قرار دهد و آن را لغو کند. قرار داد ساخت قایقهای توپدار جدید اسرائیلی Saar-5 به دلیل کمبود منابع مالی به جای کارخانه کشتی سازی اسرائیل، به یک شرکت امریکایی واگذار شد. این شرکت امریکایی کمکهای مالی نظامی را پرداخت کرده که باید در ایالات متحده هزینه شود. مشکلات صنایع نظامی اسرائیل، در نتیجه وضع نامساعد بازار جهانی تسلیحات شوروی و وابستگی زیاد کشورهای کوچک به صادرات در سراسر دنیا است. با تغییر دولت اسرائیل در سال ۱۹۹۲، صنایع نظامی حامی با ارزشی - وزیر دفاع موشه آرن - را از دست داد. در مقایسه، رابین برای این صنایع نقش خیلی کمی در رابطه با امنیت ملی اسرائیل قائل بود. از نظر وی، «صنایع نظامی برای اسرائیل زیاده از حد بزرگ هستند»<sup>(۲)</sup> رابین در طی تصدی اخیر رابین به عنوان وزیر دفاع، صنایع نظامی باز هم محدودتر شده است.

در سالهای اخیر، اسرائیل میزان تخصیصهای تعمیر و توسعه تسلیحات در بودجه دفاعی خود را نیز کاهش داده است. بر اساس گزارش دولت اسرائیل، تخصیصهای تعمیر و توسعه از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ حدود ۴۳ درصد کاهش یافته بود. این کاهش علاوه بر وابستگی فزاینده اسرائیل به منابع خارجی در سطح گسترده باعث کاهش دستاوردهای تکنولوژیکی و نیروی انسانی ماهر می شود.<sup>(۳)</sup> کمبود مالی قبلاً بر سیستم ضد موشک بالستیک Arrow تأثیر گذاشته بود و کاهش مشابه در پروژه‌های با تکنولوژی پیشرفته، ممکن است بر توانایی اسرائیل برای حفظ برتری تکنولوژیکی بر رقیبانش، تأثیری منفی داشته باشد. بطور کلی، این عامل اقتصادی از چگونگی اولویتهادر جامعه اسرائیل

1- Zeer Schiff, "Problems of Military Might", Haaretz, 8 July 1994.

2- Haaretz, 20 Nov. 1992.

3- Haaretz, 19 May 1994.

ناشی می‌شود که به هدایت منابع به سوی امنیت ملی به قیمت از دست دادن استانداردهای زندگی تمایل کمتری دارد. این ترجیح، تلاش برای خوداتکایی نظامی را کاهش می‌دهد.

### نتیجه

دولت کارگری اسرائیل، ادراکات جدیدی از محیط خارجی را پذیرفته و مفهومی دیگر از قدرت ملی را اختیار کرده است. این مسائل به گرایش به اعتماد بیشتر و همکاری با سایر دولتهای منطقه و بازیگران بین‌المللی منجر می‌شود. رهبری سیاسی اسرائیل همچنین تمایل کمتری نسبت به به کارگیری زور دارد. جامعه اسرائیل خستگی از جنگ را نشان، و بر اسلحه ترجیح می‌دهد. این جامعه دیگر کمتر مانند گذشته از فدا کردن نیازها برای کسب خوداتکایی بیشتر، حمایت میکند. افکار عمومی اسرائیل نسبت به کارگیری زور باروح حاکم بر غرب سازگارتر شده است در حالی که حساسیت زیادی نسبت به تلفات، افزایش درک پرهزینه بودن ایجاد و به کارگیری نیروی نظامی، و کاهش مشروعیت استفاده از نیروی نظامی وجود دارد. تمام این عوامل، اسرائیل را به سوی یافتن معیارهای امنیتی جایگزین می‌راند. این مسأله در سیاست اسرائیل نسبت به کنترل تسلیحات و پیدایش تهدید هسته‌ای خیلی آشکار است. نشانه‌های مبهمی، توانایی تولید داخلی تسلیحات و ملاحظات محدود سازی موارد هسته‌ای را تضعیف می‌کند.

گرچه اسرائیل هنوز دکترین امنیت ملی خود را تغییر نداده، لیکن تا حد قابل ملاحظه‌ای از سیاستها و قضایای گذشته دور شده است. مرگ رابین ممکن است این تغییر را بخوبی تشدید کند. او نسبت به سایر اعضای دولتش کمتر صلح طلب بود و به عنوان ترمزی بر تلاشهای پرز برای اجرای سیاستها بر اساس عقاید نظری وی بود. این تفکر نوین - که مبتنی بر یک ارزیابی خوشبینانه از محیط است - به وابستگی بیشتر به خواسته دیگر بازیگران بین‌المللی منجر می‌شود. از نظر امنیت ملی اگر خاورمیانه یک منطقه بحرانی باقی بماند خیلی مسأله زاست؛ در حالی که به کارگیری زور جزء و قسمتی از قاعده این بازی است. اما با در نظر گرفتن محدودیتهای یک دولت کوچک، اسرائیل قمار بازی باید احتیاط کند.